

نگاهی به نگرش پیامبر اسلام به حقوق بشر

مسلمین در زمان پیامبر و خلفای اسلام در پرتو آئین نورانی اسلام آنچنان آزادی سیاسی بدست آورده بودند که افراد معمولی جامعه به خود حق می‌دادند از بزرگترین شخصیت‌های اسلامی و اجتماعی زمان انتقاد کنند و نظرات اصلاحی و خیرخواهانه خود را در میان بگذارند .

اوج آغاز تأسیس نظام اجتماعی اسلام زمانی بود که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم به مدینه مهاجرت کرد و با بستن پیمان برادری میان مهاجرین و انصار «جامعه برادری» را بنیان نهاد. جامعه برادری مدینه هسته مرکزی و کانونی بود که همه مسلمانان با محور قرار دادن و الگو گرفتن از آن به اتحاد و یگانگی می‌رسیدند و با بی‌توجهی و دورشدن از آن پراکنده و نابود می‌شدند.

از اهداف نظام اسلامی ایجاد جامعه معنوی و الهی است، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم در آغاز تأسیس نظام اجتماعی اسلام، با دلیل و برهان مبانی نظام جاهلیت را بی‌ارزش شمرده و آنها در هم کوبید و سپس عاداتها و آداب و رسوم و ارزشها را با توجه دادن به ارزشهای الهی دگرگون ساخت و جامعه‌ای ربّانی و متفاوت با همه اجتماعات بشری به وجود آورد که در آن، مسلمان ایرانی و بلال حبشی و صهیب رومی با عربی که در جاهلیت بر این پندار بود که آقا و سرور ایشان است برادرانه زندگی می‌کردند.

جامعه جهانی مورد نظر اسلام، متکی بر نژاد یا زبان و حدود جغرافیایی و زمان خاصی نیست، بلکه درهای آن به روی همه انسانها بدون در نظر گرفتن جنسیت، رنگ، پوست یا زبان، باز بوده و تنها شرط ورود به آن دین و عقیده واحد است.

با بررسی جوامع بشری کنونی در جهان به این واقعیت پی می‌بریم که در نتیجه ناآگاهی جوامع بشری از خصوصیات جامعه‌ای که رسولان الهی (علیهم السلام) خصوصاً نبی گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وسلم پایه گذار آن بودند جوامعی با خصوصیات گوناگون پدید آمده که گروهی جامعه را مشابه عضوی از بدن انسان پنداشته، برخی دیگر جامعه را واجد صفات ارزشی و معیارهای غیر مادی دانسته که در نهایت آثار منفی این گوناگونی، آشفتگی و پراکندگی نظریه‌ها، جوامع لائیک و بی‌توجه به آیین‌های خدایی را دامن‌گیر گشته و بی‌هویتی، خود خواهی نفرت‌زا، طبقاتی شدن جامعه، نژادپرستی، تجاوز، خود را جزیی از یک امت ندانستن و مشکلاتی مانند اینها پدید آورده است، اما اسلام برای تنظیم و سامان بخشی جوامع بشری قوانین و چارچوب‌های شگفت‌آوری تعیین کرده است که در عین واقعی بودن و داشتن قابلیت اجرا، تصور می‌شود که خیالی و ذهنی‌اند در حالی که در واقع کسانی که اندیشه‌های آنان در مرداب مکتب‌های پست زمینی گرفتار آمده‌اند گنجایش دریافت آنها را ندارد و با آنکه به علت جنگهای استعماری عظمت و توان اکثر کشورهای اسلامی در هم شکسته و مسلمانان تحت تاثیر نیرنگهای استعماری قرار گرفته و در جهل و عقب ماندگی فرو رفته‌اند، اما هنوز احکام اسلامی با عظمت کامل به عنوان بهترین قوانین در جهان رخ می‌نمایند، به گونه‌ای که کشورهای غربی معاصر با اعتراف به ناکارآمدی مقررات کشورهای خویش در برابر جامعه‌های سالم و سربلند اسلامی سر تعظیم فرود می‌آورند. اسلام

قبل از آنکه جامعه شناسی یا دانش‌هایی مانند حقوق، روانشناسی، اقتصاد و ... به وجود آیند، نظم و مقررات کاملی به جهانیان عرضه داشته که پاسخ‌گوی همه نیازهای بشر و فراگیرنده همه آفرینش است و در آینده نیز با شایستگی و انعطاف‌پذیری خاصی که در پرکردن جاهای خالی و وضع ثابت و متغیر دارد، برتری و سروری خود را استمرار خواهد بخشید.

قوانین اسلام برای تنظیم و سامان‌بخشی جوامع بشری:

اسلام و آزادی عقیده

اسلام در موضوع چگونگی روابط و رفتار مسلمانان با توده‌های غیر مسلمان تصریح می‌کند که: تنها نباید با نظر بغض و دشمنی به پیروان مذاهب دیگر نگریست بلکه باید آنها را مورد احسان و محبت قرار داد: «شما از نیکی و احسان به افراد غیر مسلمانی که در امر دینتان با شما نجنجیده و از سرزمینتان بیرونتان نکرده‌اند، منع نمی‌کند، خدا انصاف کردن را دوست می‌دارد. خدا تنها از دوستی با کسانی منع می‌کند که به خاطر دینتان، با شما جنگیده‌اند و شما را از سرزمینتان بیرون رانده و در بیرون کردنتان از همدیگر پشتیبانی کرده‌اند.» [سوره

ممتحنه آیه 8-9]

خداوند از احسان و عدالت نسبت به افراد غیر مسلمان ستایش می‌کند، تنها دوستی با مردمی را منع می‌کند که با مسلمانان ستیز و مخالفت دارند و این دشمنی را به صورت تجاوز آشکار و یا خیانت پنهان ابراز می‌دارند،

بدیهی است دوستی با چنین مردمی جز تیشه به ریشه اسلام زدن و بنیان این آیین مقدس را منهدم کردن، ثمره دیگری نخواهد داشت و نباید انتظار داشت که اسلام چنین مودتی را تصدیق نماید.

اسلام و مبارزه با اختلاف طبقاتی و تبعیض نژادی:

برخلاف سنتهای قبیله‌ای و افتخارات قومی و آداب و رسوم منطقه‌ای که در زمان ظهور اسلام در دنیا رواج داشت که گروهی به علت داشتن ثروت، قبیله، زبان، نژاد، رنگ و ... بر گروه دیگر تفاخر کرده و آنرا مایه امتیاز انسانی بر انسان دیگر می‌دانستند، اسلام قلم بطلان بر همه آنها کشید و رسماً علیه اینگونه عقاید ناصواب قیام کرد. اسلام در عین آنکه افراد بشر را از لحاظ سازمان خلقت، مظاهر مادی، لیاقت، استعداد و مظاهر روحی یکسان نمی‌داند ولی این نابرابری و عدم مساوات را ملاک برتری و امتیاز بعضی بر برخی دیگر ندانسته، همه افراد بشر را از لحاظ حقوق و تکالیف برابر می‌داند.

مساواتی که اسلامی میان افراد بشر قائل است بر سه قسم شامل می‌باشد:

1- مساوات در اصل انسانیت 2- مساوات در حقوق و تکالیف 3- مساوات در داوری و اجرای قوانین

اسلام معتقد است آفریدگار تمام موجودات و افراد بشر یکی است و غیر او آفریدگار دیگری وجود ندارد. «و

خدای شما، خدای یکتا است، نیست خدایی مگر او که بخشاینده و مهربان است» [سوره ی بقره آیه 163]

اسلام عقیده دارد تمام افراد بشر از هر نژاد و رنگ از یک پدر و مادر آفریده شده و با هم برادر و برابرنند و همه را بنی‌آدم خطاب می‌کند.

پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم برای آنکه روش ظالمانه اختلاف طبقاتی و تبعیض نژادی را خاتمه دهد دختر عمه‌اش زینب را به ازدواج "زید" غلام آزاد شده خود در آورد، همچنین زید و اسامه را به عنوان رئیس ارتش اسلام به جنگ رومیان فرستاد و بلال سیاه را که غلامی بیش نبود به عنوان مؤذن مسلمانان انتخاب نمود.

اسلام و انتقاد و خیرخواهی از زمامداران در جامعه اسلامی:

اسلام برای بوجود آوردن یک اجتماع سالم که تمام افراد آن خود را مسئول امور جاری مملکت بدانند غیر از راه مشورت و نظارت عمومی قائل به راه سومی به نام اصل اندرز و خیرخواهی نیز می‌باشد. این اصل که همان روش مسالمت آمیز امر به معروف و نهی از منکر است به مردم تعلیم می‌دهد که هر فردی از امت اسلامی بایستی خود را خیرخواه تمام مردم بداند و برای اصلاح و سامان بخشیدن اوضاع نابسامان جامعه کوشا باشد و هر گاه احساس کرد که دیگران در پرتگاه سقوط قرار دارند و ممکن است با اندرز و خیرخواهی از انحراف نجات یابند، چنانچه از نصیحت آنان خودداری کند نسبت به آنها خائن شمرده می‌شود.

مسلمین در زمان پیامبر و خلفای اسلام در پرتو آئین نورانی اسلام آنچنان آزادی سیاسی بدست آورده بودند که افراد معمولی جامعه به خود حق می‌دادند از بزرگترین شخصیت‌های اسلامی و اجتماعی زمان انتقاد کنند و نظرات اصلاحی و خیرخواهانه خود را در میان بگذارند. زمامداران اسلامی و افراد با شخصیت آن روز هم با کمال خوشرویی و تواضع نظرات اصلاحی و انتقادی آنان را مورد مطالعه قرار می‌دادند، چنانچه انتقادی را به جا

و خیرخواهانه می‌یافتند قبول کرده و تسلیم می‌شدند و گرنه جوابهای منطقی و قانع کننده‌ای به آنها می‌دادند. آری! در دموکراسی اسلامی مردم آزادی بیان و قلم دارند و بایستی در مقابل انحرافات و ارتکاب فساد، تباهی و ظلم ساکت ننشینند و لو آنکه شخص مجرم در مقام حساسی باشد.

اسلام به تمام افراد بشر آزادی سیاسی به معنی - تصدی هر منصبی که شایستگی آن را دارند- و آزادی بیان و قلم بدون توجه مذهب و عقیده می‌دهد و هر کسی در پرتو آزادی بیان و قلم حق دارد که هر حزب و جمعیتی که به ثمر رساننده مقاصد اسلامی و اجتماعی باشد تشکیل دهد. هر روزنامه مفیدی انتشار دهد، هر مقاله اصلاحی بنگارد و از هرگونه انتقاد و راهنمایی که موجب صلاح و ارشاد جامعه باشد کوتاهی ننماید.

حکومت اسلامی حق ندارد جلوی آزادی فکر بیان و قلم را به هر بهانه‌ای بگیرد و مردم را از اجتماعاتی که به منظور اصلاحات و گرفتن حقوق آنان تشکیل می‌شود باز دارد. همه تاریخ نویسان نوشته‌اند که در زمان خلافت حضرت علی بن ابی‌طالب رضی‌الله‌عنه گروهی همچون خوارج از آن حضرت کناره گرفتند و از وی انتقاد سختی نمودند، حضرت علی رضی‌الله‌عنه با آنکه از افکار و تبلیغات و فعالیت‌های آنها باخبر بود و انتقادهای شدید آنان را می‌شنید به نرمی به آنها پاسخ می‌داد و به احترام آزادی، هیچ‌گاه در صدد اذیت و آزار و انحلال اجتماعات آنان برنیامد مگر تا زمانی که آنها در صدد واژگون کردن حکومت عادلانه آن حضرت رضی‌الله‌عنه برآمدند.

اسلام و برابری و برادری:

اسلام تمام موانع را در میان افراد جامعه از بین می‌برد تا انسانها را قادر سازد از حقوق مشروع خویش بهره مند

شوند. اسلام اعتقاد دارد نسب، رنگ، سرزمین، زبان یا مذهب نباید در جامعه باعث تعیین منزلت و جایگاه افراد

شود. پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم می فرماید: «ای مردم! پروردگار شما یکی است، مدبر امور شما یکی است،

همه شما فرزندان حضرت آدم هستید، آدم از خاک آفریده شده است، براستی شریفترین شما نزد خداوند

پرهیزگارترین شماست، عرب بر غیر عرب برتری ندارد و غیر عرب نیز هیچ برتری بر عرب ندارد، فرد سیاهپوست

هیچ فضیلتی بر سفید پوست ندارد و همین طور سفید پوست هیچ برتری بر سیاه پوست ندارد مگر به اعتبار

میزان و درجه تقوا». [مسند احمد حدیث شماره 411]

اسلام هر گونه تبعیض را حرام می داند و آن را تحمل نمی کند، از نظر اسلام بشریت با تمام نژادها، زبانها، رنگها و

جز آن بدون هیچگونه وجه تمایزی از یک منبع نشأت گرفته است. هر گونه تفاخر نسبت به منزلت اجتماعی،

تعلق به یک پایگاه اجتماعی خاص و مانند آن را تحمل نمی کند.

مصدیقی از اجرای حقوق بشر در جامعه اسلامی پیامبر (ص):

در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم سران قبیله "بنی مخزوم" از سرقتی که "فاطمه مخزومیه" مرتکب شده

بود بسیار نگران شدند زیرا می دانستند به حکم اسلام باید دست وی قطع گردد و این عمل بزرگترین

سرشکستی و سر افکندگی برای آنان خواهد بود، از این جهت با هم به مشورت پرداختند که کسی را به عنوان

شفیع نزد پیامبر بفرستند تا از گناه فاطمه شفاعت کند. برای این کار جز "اسامه بن زید" کسی را شایسته

ندانستند زیرا او فقط به خاطر محبوبیت پیش رسول خدا جرات این کار را داشت، لذا جریان را با او در میان

گذاشتند، او نیز خواسته‌های سران قبیله را به پیامبر رسانید و از آن زن شفاعت کرد. پیامبر در حالی که آثار خشم و غضب از چهره‌اش هویدا بود فرمود: ای اسامه! تو در باره تعطیل حدی از حدود خداوند شفاعت می‌کنی؟! آنگاه برخاست و در مجمع انصار و مهاجرین این خطبه را ایراد فرمود: «مردمی که پیش از شما زندگی می‌کردند به این جهت هلاک شدند و شیرازه ملیت آنان از هم گسیخته و پاره شد که هرگاه شخص صاحب نفوذی در میانشان مرتکب دزدی و خلاف می‌شد، قانون شریعت در حق او اجرا نمی‌گردید، اما اگر افراد ضعیف و ناتوانی دست به سرقت و خلافکاری می‌زدند، قانون در حق آنها شدیداً اجرا می‌گردید! بخدا قسم اگر دختر من فاطمه دزدی کند، دستش را قطع خواهم کرد» [روح الدین اسلامی ص 399]

مهمترین مبانی و خصوصیات جامعه اسلامی

مهمترین مبانی و خصوصیات جامعه اسلامی‌ای که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم آن را بنیان گذاشت را می‌توان در این موارد خلاصه نمود: 1- جامعه اسلامی پیامبر ساخته‌ی خدایی مهربان و آگاه است که فطرت بشر را آفریده و به ماهیت وجود او آگاه تر است. 2- نظام اسلامی دستاورد نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم است که شایسته همه زمان‌ها و مکان‌ها و حتی آینده بشریت است. 3- اصول و قوانین اسلامی همه احوال و صورت‌های زندگی بشر خاکی را پوشش می‌دهد. 4- قوانینی که پیامبر به جهانیان هدیه کرد بسیار کامل و پیشرفته‌اند و برتر از رویاهای مدینه‌ی فاضله و تصورات فیلسوفان می‌باشد.

مقایسه مبانی حقوق بشر اسلام با حقوق بشر غرب:

اگر چه مسأله حقوق بشر اندیشه غرب جایگاه مهمی دارد اما متأسفانه این موضوع همانند موضوعات دیگر

همچون آزادی و مساوات به جای آنکه موجب آسایش و آرامش مردم گردد تا حدود زیادی سبب ناراحتی و ستم بر آنان شده است. زیرا تئوریسین‌های مادی برای آزمایش تئوری‌های ناپخته خود از جوامع انسانی بهره می‌گیرند.

در خصوص حقوق بشر اکثر غربیان به اندیشه‌های "ژان ژاک روسو" بنیان‌گذار نخستین مکتب تربیتی اروپا که به حقوق عمومی تایید می‌کند استناد می‌کنند، اما به علت اشتباهات و نارسائی‌های اصول مادی، اکثر تئوری‌های متکی بر این نظریه در عمل چیزی جز تبلیغات فریبنده مفاهیمی مبهم نمی‌باشند.

فلسفه‌ها و ایدئولوژی‌های مدعیان دروغین بشر در دنیای غرب هر کدام بخشی از وجود انسان را در نظر گرفته و به وضع قانونی برای او پرداخته‌اند، لذا برنامه‌های آنها ناقص و از عقل بشری نشات گرفته و انسان در پی تکامل را اشباع نمی‌گردانند و جوامع بشری را با مشکلات و کمبودها گرفتار ساخته از حق و حقیقت، عدالت و انصاف و مسیر تکامل دور می‌سازند.

حقوق خداوند بر بشر

در خصوص حق خداوند بر انسان همین کافی است که بگوییم بنیادی‌ترین حق خداوند بر بشر این است که تنها او را بپرستند و فرمانبردار اوامر او باشند و به تعبیر بهتر همه باید به این جمله اعتراف کنند که: «أشهد أن لا إله إلا الله.»

حق پیامبر بر بشر

در خصوص حق پیامبر بر بشر می‌توان در یک جمله آن را خلاصه نمود و آن اینکه بگویند و بفهمند که محمد بنده و رسول خدا است و به این حق پیامبر ایمان آورده و شهادت دهند.

از نظر اسلام حقوق پیامبر و رسولان الهی در مورد دیگر پیامبران نیز این است که یک مسلمان در صورتی ایمانش کامل می‌شود که به حقانیت تمام رسولان و پیامبران پیشین الهی معتقد باشد.

حقوق متقابل مردم و رهبر در اسلام

اسلام به مسلمانان دستور می‌دهد تا در گرفتاری‌ها و مشکلات برادران مسلمان خود در سراسر گیتی شریک باشند و در حد امکان در رفع مشکلات آنها را یاری نمایند، اسلام دین جهان شمول است و به مرزها و موانع جغرافیایی محدود نمی‌باشد و مبنای حقوق رهبر بر مردم مکتب اسلام، آیات قرآن می‌باشد. از جمله حقوقی که رهبر در جامعه اسلامی برخوردار می‌باشد عبارتند از 1- اطاعت از رهبر مادامی که به انجام اعمال ناشایست امر نمی‌کند. اطاعت از رهبر اسلامی که طبق کتاب خدا عمل می‌کند مصداق اطاعت از خداست 2- ارائه نصیحت صادقانه و دلسوزانه جهت تامین رفاه و سعادت جامعه اسلامی.

در خصوص حقوق متقابل مردم بر حاکم در جامعه اسلامی با بررسی کتاب خداوند و جامعه اسلامی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وسلم، می‌توان این موارد را مطرح کرد: 1- اجرای عدالت؛ با هر فرد در جامعه اسلامی باید از طرف حاکم اسلامی عادلانه و منصفانه برخورد صورت گیرد و از برخورد متعصبانه پرهیز شود. مسؤولیت‌ها و

مناصب در جامعه اسلامی از طرف حاکم عادل، منصفانه و متناسب با جمعیت جامعه توزیع شود. نباید هیچ فرد یا گروه و قشر خاصی از جامعه نسبت به دیگران دارای برتری و اولویتی خاص باشد.

2- مشورت با مردم: حاکم در جامعه اسلامی برای اداره بهتر امور کشور باید مردم را مورد مشورت قرار دهد.

به افکار عمومی جامعه فرصت دهد تا نقطه نظرات و پیشنهادهای خود را در مورد مسائل جامعه اسلامی ابراز و مورد پذیرش قرار گیرند.

3- مردمی بودن: حاکم در جامعه اسلامی نباید از سیاست در بسته برخوردار باشد و فردی منزوی باشد.

حاکم باید مثل مردم در کنار آنها و در میان آنها باشد تا جامعه سالم مانده و دچار تبعیض و فاصله طبقاتی نگردد.

4- مهربانی و عطف با مردم: خداوند رمز موفقیت پیامبر را در عطف و مهربانی وی می‌داند که توانسته

افراد اجتماع را پیرامون خود جمع نماید، حاکم در جامعه اسلامی باید از این خصوصیت پیامبر پیروی نماید.

حقوق متقابل افراد نسبت به هم در خانواده

در جامعه زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم افراد خانواده با تعلیمات قرآن مجید و پیامبر، حقوق همدیگر را

شناخته و جایگاه هر فرد را در خانواده درک نموده و به آن پایبند بودند. حقوق والدین را در اطاعت از آنها

می‌دانستند و تا زمانی که با اوامر الهی مغایرت نداشته باشند خود را ملزم به اطاعت از والدین می‌دانستند.

فرزندان در خانواده طبق آموزش‌های قرآن و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم باید هنگام خدمت به والدین

کاملاً صبور و شکیبا باشند، به احساسات و عواطف آنها توجه نمایند و حقوق والدین را حتی اگر مسلمان نباشند رعایت نمایند. از حقوق فرزندان بر والدین می‌توان به؛ داشتن یک زندگی شایسته، برخورداری از نام‌های نیکو، تربیت اسلامی، برخورداری از مسکن، برخورداری از پوشاک، غذای حلال، تحصیلات مفید، برخورد عادلانه، مهربانی، حفاظت از عاداتهای ناپسند و انصاف اشاره نمود.

حقوق متقابل زوجین

اسلام برای سامان‌بخشی به جامعه بشری و هدایت اجتماع که متشکل از مردان و زنان می‌باشد برای هر کدام حقوقی را معین فرموده که از حقوق شوهر بر زن می‌توان حق مدیریت خانواده - رهبری - اطاعت زن از دستور و فرمان‌های همسر مادامی که خلاف اوامر الهی نباشد، راضی نگه داشتن شوهر، حفاظت از مال، فرزندان و عفت، اجازه گرفتن از شوهر جهت ترک منزل و دیدار با کسانی که شوهر راضی به دیدن آنها است اشاره کرد. اما از حقوق زن بر شوهر: پرداخت مهریه به وی، برابری و انصاف در صورت تعدد زوجات، تامین مسکن و زندگی مناسب، روابط صمیمانه و نیکو، حفظ اسرا همسر، خوشرفتاری و مهربانی، حمایت و نگهداری در محیط امن و سالم را می‌توان نام برد.

نقطه اختلاف و رمز برتری نظریات اسلام بر نظریه‌های مادی در این است که احکام اسلامی در همه زمینه‌ها و خصوصاً موضوع حقوق بشر، آزادی و عدالت بر پایه‌های محکم و مشخص استوارند و هر یک از افراد بشر در دایره حقوق و یا تعهدات و واجبات خاصی قرار گرفته و از ضمانت اجرایی لازم برخوردار می‌باشند.

اصل حقوق بشر اسلام همزمان با تشریحات اسلام و از جانب آفریدگار انسان ارائه گردیده‌اند لذا به هیچ وجه قابل انفصال از دین نبوده بلکه از حقوق واجب اسلامی بشمار می‌روند.

برنامه‌های حقوق بشر در اسلام که به توسط پیامبری مهربان که خداوند متعال وی را به عنوان رحمتی برای جهانیان معرفی می‌کند، برنامه‌ای کامل و برای تمام عرصه‌های زندگی انسان است، چرا که او آشکار کننده حق و راستی با ابزار حقیقت و درستی بود. این آیین جاودانی، آدمی را دارای حقوق انسانی ثابتی می‌داند و با صراحت اعلام می‌دارد: «به راستی که ما فرزندان آدم را بسیار ارجمند داشتیم و بر مرکب‌های خشکی و دریا حمل کردیم و با غذاهای پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری بخشیدیم» [اسرا 170]

حقوق عمومی در اسلام

اسلام بر تقویت و تحکیم روابط اجتماعی بین افراد جامعه تاکید می‌ورزد. اسلام حقوق افراد را به تنهایی و در رابطه با افراد خانواده و از آن فراتر در رابطه با تمام هم‌نوعان و حتی تمام مخلوقات مورد توجه قرار می‌دهد. اسلام بر حقوق متقابل افراد بر همدیگر در تمام سطوح تاکید ورزیده و از وجوه تمایز دین اسلام در زمینه حقوق از سایر ادیان حقوق الله می‌باشد. اسلام تنها دین و مکتبی است که از این حقوق سخن گفته است.

حقوق عمومی در اسلام شامل موارد متعددی بوده که به بعضی از آن حقوق به اختصار پرداخته می‌شود: حقوق خویشاوندان: از حقوق خویشاوندان در اسلام می‌توان به مهربانی با آنها، کمک به فقرا و نیازمندان قوم، حل مشکلات افراد، شرکت در غم و شادی اقوام، عفو و بخشش اقوام در صورت عدم مهربانی از سوی آنها، پرهیز از

قطع رابطه با خویشاوندان و تشویق به ارتباط و صلہ رحم را نام برد.

حقوق همسایگان: در خصوص حقوق همسایگان در اسلام می توان به؛ کمک به همسایگان در صورت نیاز - کمک

مالی و جانی، شرکت درغم و شادی آنها، شرکت در تشییع جنازه همسایه، فضل و بخشش به همسایگان از

آنچه خود در منزل مصرف می کنیم، مهربانی و دعوت کردن همسایه، عدم اذیت و آزار همسایه به هر نوع

ممکن اشاره نمود.

خصوص حقوق دوستان: کمک به فقرای جامعه اسلامی از طریق زکات بعنوان رکن بنیادی جامعه اسلامی در

زمان پیامبر توجه و تاکید بسیاری شده است که می توان آن را از مصادیق بارز حقوق بشر در اسلام نام برد.

حقوق کارگر و کارفرما: اسلام معتقد است که کارگران دارای کرامت، حیثیت و شان خاصی بوده و به افراد در

جامعه اسلامی توصیه شده است به این امر توجه نمایند. پرداخت حقوق به موقع، مقرر نمودن مزد کارگر قبل از

کار، محول نکردن کاری که از توان کارگر خارج است، کمک کارفرما به کارگر در خصوص مشاغل سنگین و ...

را می توان از دیگر حقوق کارگر برشمرد. همچنین اسلام از کارگر می خواهد تا در مقابل کارفرمای خویش

تعهدات خویش را صحیح انجام دهد، مرتکب بی احتیاطی در انجام کار نشود و به کارفرما و کار او آسیبی وارد

ننماید.

حقوق دیگر مخلوقات الهی

اسلام از پیروان خود می خواهد به حقوق تمام مخلوقات خداوند توجه نموده و حتی با حیوانات اهلی هم به

مهربانی رفتار کنند. به حیوانات به خوبی غذا داده و به طور مطلوب از آنها نگهداری نمایند، بار سنگین بر دوش حیوانات بارکش نگذارند، آنان را شکنجه ننموده و به آنها آسیب نرسانند. حیوان زنده را نباید به عنوان نشانه با گلوله هدف قرار داد و ترساندن یا آسیب رساندن حیوان از نظر اسلام حرام است. هنگام سربریدن حیوان حلال گوشت باید چاقو کلاماً تیز باشد تا عمل ذبح سریع انجام شود. از نظر اسلام رفتار مهربان و نیکو با حیوانات نیز موجب کفاره گناهان و ورود انسان به بهشت می‌شود.

اسلام در خصوص درختان و گیاهان به پیروان خود می‌آموزد که؛ بدون دلیل اقدام قطع و قمع درختان و شکستن شاخه‌های آنها ممنوع می‌باشد. تاکید به حفاظت از اشجار از آموزه‌های اسلام است. اسلام حتی در خصوص معابر و گذرگاهها معتقد است باید از نشستن در معابر- پیاده روها- پرهیز کرد و به حقوق عابران توجه نمود، توصیه به برداشتن اشیای مضرى که در مسیر رفتو آمد انسانها قرار دارند به عنوان یک عمل حسنه از آموزه‌های اسلام است.

موارد فوق نمونه‌ها و مصادیقی از حقوق و قوانین مطرح شده در کتاب خداوند و متون اسلامی است که برای اصلاح و سالم سازی اجتماع از آسیب عنوان شد که متاسفانه امروز اکثر انسانها با این حقوق و قوانین بیگانه هستند.

اسلام معتقد است مرجع و قدرتی باید باشد تا قوانین الهی را در جامعه به اجرا گذارد تا به عنوان یک آرمان و آرزو در اذهان باقی نمانند و از انسانها می‌خواهد تا به مرزها و محدودیتها تجاوز نکنند و جهت حفاظت از حقوق بشر در جامعه دستورات نورانی اسلام را به مورد اجرا گذارند تا جامعه شاهد پیشرفت و ترقی با احترام به

حقوق بشر باشد.

گزیده ای از بیان حقوق بشر مصوبه 14 محرم 1411 ه. ق.

«حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام جزئی از عقاید مسلمانان است و هیچ احدی حق متوقف کردن جزیی یا کلی آنها را ندارد. بشر از یک خانواده می‌باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم آنها را گرد هم آورده و همه مردم در اصل شرافت انسانی و تکلیف و مسئولیت برابرند، بدون هرگونه تبعیض از لحاظ نژاد یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و ... عقیده صحیح تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می‌باشد.»

آری! اسلام بشر را از تجاوز به کرامت، حقیقت و زندگی خصوصی افراد نهی می‌کند و آن را گناه کبیره معرفی می‌نماید. افزون بر آن اسلام تمام اعمالی را که زشت و گناه محسوب می‌شوند یا وسیله ای برا افزایش جرایم و پلیدی ها در جامعه هستند از انجام آنها نهی می‌کند و آن را حرام می‌داند.

همچنین اسلام بشر را از تعرض به اموال دیگران نهی می‌کند و اقداماتی از قبیل؛ سرقت، کلاهبرداری، فریب و ... را به شدت ناجایز و حرام می‌داند.

بررسی وضعیت حقوق بشر در دنیای امروز و ممالک اسلامی:

چیزی که امروز در دنیا وجود ندارد و از چهره این دنیای خاکی رخت بر بسته؛ نبود حق و حقیقت، عدالت و انصاف، وجود ظلم و ستم، تعدی و تعصب بدون علم و عقل، خون و خونریزی، آتش و کینه ورزی، خشم و

غضب و جنایت و کشتار است.

با وجود تمام این نابسامانی‌ها، مصائب و ناملایمات، آیا باید ناامید شد و همچون تماشاگری بی‌چون و چرا به تماشای این صحنه‌های تاسفبار نشست؟ آیا تمامی امیدها پایان یافته و مسلمانان واقعی و دلباخته اسلام و عدالت را دیگر شاهد نخواهیم بود؟ آزاداندیشان و آزادی‌خواهان جهان و دلسوختگان بشریت! آیا نباید مشکلات و دردهایی که امروز دامنگیر جامعه انسانی شده و کره خاکی را به مسیر نابودی هدایت می‌کند بیان شود؟ آیا نباید امروز عدالت طلبان و روشنفکران واقعی جهان را امیدوار به آینده نمود، آنها را تشویق و ترغیب نمود تا جهت بیداری و بیان حقایق بپاخیزند، مسئولیت خود را درک نمایند و خود را مبراً ندانند؟

ما نباید به صرف نداشتن موقعیت، امکانات و هزاران دلیل دیگر از مسئولیت سنگین بیدارگری شانه خاله کنیم!

امروز شعار دموکراسی و حقوق بشر را در دنیا کسانی رهبری می‌نمایند که خود نمایانگر تروریسم واقعی و عملی در جهان بوده، کشورها را مورد تاراج قرار می‌دهند و منابع آنها را غارت می‌کنند. در گذشته نه چندان دور این چپاولگران مردم بوسنی را قتل عام کردند، دیروز مردم افغانستان را با شعار مبارزه با تروریسم به خاک و خون کشیدند، امروز عراق را با حربه دادن دموکراسی به مردم در اشغال خود دارند و اگر بیدارگران امت، مردم را از خواب غفلت بیدار نکنند، روزی فرا خواهد رسید که این جنایت‌کاران و ددمنشان جهان را عرصه تاخت و تاز خود قرار داده و انسانیت را به سوی نابودی و هلاکت سوق دهند.

امروز چپاولگران و استعمارگران دنیا ملت‌ها را به باد تمسخر و تحقیر گرفته و کسی جرات مخالفت و اعتراض ندارد و هر کس به گونه‌ای به امور دنیوی خویش مشغول بوده و خود را جدای از حق و حقیقت طلبی می‌داند و با

عناوین مختلف از زیربار مسئولیت شانه خالی می‌کند و مسئولیت را متوجه دیگران می‌گرداند.

وضعیت امروز ملت‌های مظلوم خصوصاً مسلمانان عالم بسیار اسفبار است، امروز عدالت طلبان و مجریان عدالت و

حقوق بشر کجایند؟ آیا در زیرخاک خفته‌اند؟ امروز به حال وارثان واقعی زمین (مسلمانان)، مشرکین و غیر

مسلمانان دل می‌سوزانند، به دفاع بر می‌خیزند و با بیان و نوشته‌ها خود به مردم دنیا اطلاع‌رسانی می

کنند. چرا؟ چرا مسلمانان در دنیا امروز یتیم شده‌اند، چرا امت خواب رفته است؟ چرا کسی باید این ملت را از

این خواب سنگین بیدار کنند؟ این خواب سنگین از کجا بر مسلمین مستولی شده است؟ تا کی باید این خواب

ادامه داشته باشد؟

امروز امت محمد مصطفی (ص) (بامور بی ارزش و پست دنیوی مشغول است و از راه پرفراز و نشیب پیش روی

خود غافل گشته است مسلمانان امروز به کودک و طفل خردسالی می‌مانند که با اسباب‌بازی مجازی خود

مشغول است و از تحولات پیرامون و دنیای بزرگ و مسائل آن بی‌خبر است مسلمان امروز سرگرم مادیات و زرق

و برق زودگذر و فریبنده دنیا شده است. تا کی باید چنین باشد؟.

امروز مسلمانان دنیا از رسانه‌ها شاهد ظلم و چپاولگری مستبدان دنیا علیه امت بیدارگر و آزادی‌طلبان بوده و

روزانه صحنه‌های وحشت‌آور و حزن‌انگیز ظلم به بشریت و سلب حقوق بشر از رسانه‌ها پخش می‌شود. اما این

تصاویر و صحنه‌های وحشت‌آور آنچنان فراوان می‌باشند که برای مردم دنیا تکراری شده است، لحظه‌ای وجدان

بیدارشان متاثر می‌گردد اما لحظه‌ای بعد فراموش می‌شوند. ولی آیا کسی از امت اسلام به خود اجازه این تفکر را

داده است که مسئولیت من بعنوان یک انسان بیدار و در درجه دوم بعنوان یک مسلمان در این خصوص چیست؟

اگر من و شما توان دفاع از این بی‌عدالیت‌ها و مظالم را نداریم یا موقعیت برایمان فراهم نیست آیا توان بیان و ابراز انزجار و برگشت به حقیقت گذشته خود را نداریم؟ آیا نباید این صحنه‌ها ما را به خود بیاورد و گذشته پرافتخار اسلام را برایمان تداعی کند، چرا اینچنین شده است؟ آیا مشکل از خود ما و از اعمال و رفتار امروز ما نیست؟ آیا ما خود و گذشتگان خود را فراموش نکرده‌ایم؟ آیا وقت آن فرا نرسیده است که به خود برگردیم؟ آیا وقت توبه و بازگشت به آغوش اسلام و واقعیت اسلام فرا نرسیده است؟

منبع : پایگاه اطلاع رسانی اهل سنت ایران

Iranian Islamic Human Rights Commission